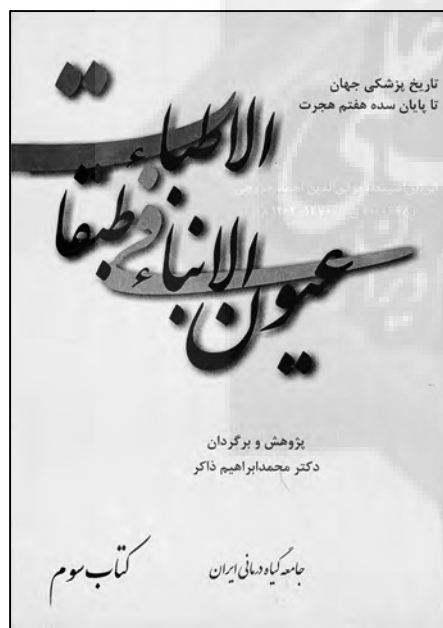


عیون الأنباء فی طبقات الأطباء

نوشته موفق الدین احمد خزرجی مشهور به ابن ابی اصیبعه، پژوهش و برگردان
دکتر محمد ابراهیم ذاکر، ج ۲، ۱۰۳۳ ص، انتشارات زعیم با همکاری جامعه
گیاه درمانی ایران، تهران، ۱۳۹۳ ش

حنیف قلندری^۱



ترجمه متن‌های کلاسیک، که مرجع گروه‌های
مشخصی از محققان است، به زبان فارسی برای
استفاده آسان‌تر دانشجویانی که در آغاز راه تحصیل
هستند یا مخاطبان عام رشته‌های دیگر کاری
شایسته و در بیشتر موارد سودمند است. اما همیشه
باید به خاطر داشت که متن‌های ترجمه شده، مگر
در برخی مطالعات تطبیقی، مرجع اصلی محققان
نخواهند بود. از این رو پسندیده‌تر آن است که
چنین ترجمه‌هایی به مقدمه‌ای در خور در باره اثر
ترجمه شده و تحقیقات انجام شده در باره آن
آراسته شوند. ترجمه‌ای که دکتر محمد ابراهیم ذاکر
از کتاب عیون الأنباء فی طبقات الأطباء فراهم
آورده‌اند از این دست ترجمه‌ها است.

نخستین محققان تاریخ علم دوره اسلامی عیون الأنباء فی طبقات الأطباء را در میان متن‌های
کلاسیک زندگی‌نامه‌ای و کتاب‌شناختی تاریخ علم دوره اسلامی در کنار الفهرست ابن ندیم،
تاریخ الحكماء قفطی و كشف الظنون حاجی خلیفه چهار منبع اصلی برای شناخت دانشمندان

۱. عضو هیأت علمی موزه علوم و فناوری جمهوری اسلامی ایران hanif.ghalandari@gmail.com

اسلامی و آثار آن‌ها می‌دانند. البته شاید سبب این تعبیر آن باشد که این چهار کتاب بیشتر از دیگر آثار این چینی برای محققان نخستین تاریخ علم شناخته شده بودند. برای مثال نالینو در تاریخ نجوم اسلامی^۱ از این چهار کتاب با عنوان «چهار منبع اصلی» (المصادر الأربعة الأساسية) نام برده است و در شش جلسه درس از ۳۰ جلسه‌ای که محتوای کتاب تاریخ نجوم اسلامی را می‌سازند در باره آن‌ها سخن گفته است. آن دسته از محققانی که با این چهار کتاب آشنایی دارند و در تحقیقات مختلف از آن‌ها استفاده کرده‌اند بر این نکته واقفند که نمی‌توان آن‌ها را با یکدیگر سنجید؛ فاصله زمانی میان نوشته شدن آن‌ها (از سده چهارم تا یازدهم هجری)، تفاوت حرفه نویسندگان آن‌ها و مواردی از این دست موجب شده است که هر کدام از این کتاب‌ها از منظری قابل توجه باشند اما به هر صورت آشنایی با آن‌ها و دانستن چگونگی استفاده از آن‌ها از جمله نخستین ملزومات تحقیق در بسیاری از علوم دوره اسلامی، از جمله تاریخ علوم دقیق و تاریخ پزشکی است.

عیون الأنبياء في طبقات الأطباء نوشته موفق‌الدین احمد خزر جی مشهور به ابن ابی اصیبعه (۶۰۰-۶۶۸ق) است. ابن ابی اصیبعه از اهالی شام و از پزشکان مشهور سده هفتم بود. مشغول بودن نویسنده کتاب به حرفه پزشکی موجب شده است تا محققان در باره دقت نظر او در آوردن عبارات و آثار منتسب به پزشکان کمتر تردید کنند و بر این اساس این کتاب از جمله قابل اعتمادترین آثار زندگی‌نامه‌ای در باره پزشکان دوره اسلامی به حساب می‌آید و از همین رو هنوز هم در مآخذشناسی تاریخ علم دوره اسلامی از این کتاب به عنوان یکی از مهم‌ترین منابعی که دانشجویان و محققان باید با آن آشنا باشند یاد می‌شود. بر پایه بخش کوتاهی که با عنوان «ردیابی دست‌نوشته‌های عیون الأنبياء في طبقات الأطباء» به قلم مرحوم استاد احمد منزوی به مقدمه ترجمه حاضر افزوده شده است (ص ۷-۲۱) ۳۶ نسخه خطی از این کتاب در کتابخانه‌های جهان شناخته شده است که از این میان سه نسخه در کتابخانه‌های ایران، شماره ۴۱۴۸م کتابخانه آستان قدس رضوی، ۳۷۰۸ کتابخانه ملی ملک و ۱۶۳۱ع کتابخانه ملی، نگهداری می‌شوند. همچنین طبق این گزارش، نه چاپ مصحح و منقح از این کتاب فراهم آمده است که نخستین آن‌ها چاپ آگوست مولر در قاهره در ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م است و آخرین آن‌ها، تصحیح عامر نجار است که در سال ۲۰۰۱م در مصر به چاپ رسیده است. سودای ترجمه این کتاب به فارسی اول بار به فکر شادروانان سید جعفر غضبان و محمود نجم‌آبادی راه یافت و ایشان بخش نخست کتاب را ترجمه و در ۱۳۴۹ش منتشر کرده‌اند، اما آن کار به سرانجام نرسید. کتاب حاضر که این نوشته به قصد معرفی و

۱. علم الفلك، تاریخه عند العرب في القرون الوسطی، احمد آرام این اثر را با عنوان تاریخ نجوم اسلامی به فارسی ترجمه و کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی در سال ۱۳۴۹ آن را منتشر کرده است.

نقد آن فراهم آمده است تلاش دوبارهٔ محمد ابراهیم ذاکر برای ترجمهٔ عیون الأنباء به زبان فارسی است که به سرانجام رسیده و در دست پژوهشگران است.

اشراف مترجم به زبان عربی موجب شده است که ترجمه روان و مفهوم باشد. شاید نقدی که بتوان بر مواضعی از ترجمه وارد دانست آن است که مترجم بسیار در بند به کار بردن واژه‌های فارسی و بعضاً امروزی است در حالی که او متنی از سدهٔ هفتم را ترجمه کرده است. البته منظور آن نیست که باید عبارات فارسی شبیه فارسی نویسی سدهٔ هفتم باشد اما نگاه داشتن جانب احتیاط، شیوایی متن را بهتر می‌کرد. در ابتدای کتاب، مترجم سیاهه‌ای با عنوان «واژه‌های پارسی جایگزین» عرضه کرده است و در آن برخی از معادل‌های فارسی را که برای ترجمه در نظر گرفته آورده است:

معادل فارسی	کلمه	معادل فارسی	کلمه
خونگیری	فصد	اختربینی	احکام نجوم
دل	قلب	اخترشناسی	دانش نجوم
رونویسی	استنساخ	آمیختگی	خلط
سپرز	طحال	انبستگی	غلظت
ستاره‌شناسی	دانش نجوم	آمیزه	خلط
شکل‌شناسی جهان	هیئت	بادکش گذاشتن	حجامت
شکمبه	معدۀ	بالا آوردن	قی کردن
شکمروش همراه بالا آوردن	؟	پینخال	مدفوع، براز
شکمروش	اسهال	پیشاب	بول
کاردپزشک	جراح	تهی‌سازی تن	استفراغ البدن (استفراغ البدن)
کاردپزشکی	جراحی	جبرائیل	جبریل
گزاره نویسی	شرح دادن	جهان‌شناسی	هیئت
گوشه نویسی	حاشیه	چشم پزشکی	کحال
میانه	معتدل	چشم پزشکی	کحالی
هماهنگ	اعتدال	خرد کنش‌مند	عقل فعال

جدا از برابر نهاده‌هایی چون «گزاره‌نویسی» برای «شرح» و «رونویسی» برای «استنساخ» که کلمات آشنایی برای محققان این حوزه هستند و واژه‌های جایگزین می‌تواند موجب سردرگمی آن‌ها باشد (نک: دنباله مقاله) برای سه کلمه دو برابر نهاده آمده است و این موجب شده است که ترجمه از روال مشخصی پیروی نکند. برای نمونه در شرح حال ثابت بن قره در عیون الأنبیاء آمده است: «وقیل إنّه قرأ علی محمد بن موسی فتعلّم فی داره فوجب حقه علیه فوصله بالمعتضد وأدخله فی جملة المنجمین» (ج ۱، ص ۲۱۵)؛ این عبارت چنین ترجمه شده است: «او در خانه محمد فرزند موسا به آموزش دانش‌ها پرداخت پس بر خود بایسته دید تا او را به معتضد پیوند دهد پس وی را در زمره اخترشناسان قرار داد»^۱ (ص ۵۳۵). در جای دیگر در یاد کردن از قسطا بن لوقا بعلبکی، ابن ابی اصیبعه می‌نویسد: «إنّه مسیحی النحلة، طیب حاذق نبیل فیلسوف منجم عالم الهندسة والحساب» (ج ۱، ص ۲۴۴)، و در ترجمه آمده است: «ترسا آیین، پزشکی ورزیده و باهوش، فیلسوف، ستاره‌شناس، دانا به دانش هندسه و حساب بود» (ص ۵۹۶) در حالی که کلمه «منجم» در هر دو موضع خود گویای منظور مترجم می‌توانست باشد. در باره کلمه «هیئت» نیز وضع چنین است، ترجمه این کلمه به «جهان‌شناسی» (cosmology) یا «شکل‌شناسی جهان» (configuration of the world) نقض غرض است و کلمه «هیئت» خود بردارنده مفهومی است که دانشمندان اسلامی از این شاخه از دانش نجوم در نظر داشته‌اند و محققان این حوزه با آن آشنا هستند.

از نمونه‌های دیگری که در باره ترجمه می‌توان به آنها اشاره کرد عبارتند از:

- در شرح حال ابن سینا در عیون الأنبیاء می‌خوانیم: «وكان أی مسألة قالها لی أتصورها^۲ خيراً منه» (ج ۲، ص ۳) و در ترجمه آمده است: «او هر درسی را که می‌داد، آن را بهتر از خود او می‌فهمیدم و سپس زیباتر از او آنالیز می‌کردم» (ص ۷۴۱). روشن نیست که این بخش آخر جمله معادل کدام بخش از جمله عربی است و استفاده از فعل «آنالیز کردن» در اینجا به چه معناست!
- در ابتدای کتاب، آنجا که ابن ابی اصیبعه مطالبی را در باره خاستگاه دانش پزشکی آورده است، اشاره می‌کند چگونه برخی از تجربه‌های شخصی به مرور زمان به قواعد دانش پزشکی مبدل

۱. به زعم نگارنده این جمله باید چنین ترجمه می‌شد: «وگفته‌اند که او نزد محمد بن موسی درس خواند و در خانه او به تحصیل مشغول بود و [ثابت] حق خدمت را در باره او [محمد بن موسی] به جا آورد و [محمد] او را نزد معتضد برد و در جمله منجمان [در بار] جای داد.»
 ۲. گلمن (Gohlman) در زندگی ابن سینا (The Life of Ibn Sina) «تصوّرُها» را به جای «أتصورها» که در نسخه بدل‌های او نیز بوده، پذیرفته است (ص ۲۲) و اختیار او صحیح‌تر به نظر می‌رسد. در اینجا برای پابندی به نقل مضمون از تصحیح مولر، ضبط او نوشته شده است.

شده‌اند. او مثال می‌زند که شخصی با خوردن گیاهی مبتلا به اسهال می‌شود، پس به تصادف دریافته است که آن گیاه مسهل است و آن گاه می‌تواند تجربه خود را در اختیار دیگری بگذارد و این منجر به اشاعه تجربه خواهد شد. عبارت ابن ابی اصیبعه چنین است: «وسارت عنده معرفة أنّ هذه الحشيشة تفعل هذا الفعل وإنّ هذا الحادث مُخَفَّفٌ لتلك الأعراض مُزِيلٌ لها فتذكّره لذلك الشخص» (ج ۱، ص ۶) و در ترجمه می‌خوانیم: «از این رو با آزمودن ناخواسته، پی برده شد که این گیاه دارای چنین ویژگی است سپس او آزموده کاربردی خود برای فردی دیگر گزاره می‌نماید...» (ص ۶۸). ترجمه‌ای چنین مغلق برای عبارت «فتذکره لذلك الشخص» که به زعم نگارنده منظور عبارت را نیز به درستی نشان نمی‌دهد لازم نبود. همچنین در جدولی که پیش تر عرضه شد مترجم مدعی بود که «گزاره» را مترادف «شرح» به کار خواهد برد که در اینجا این طور عمل نکرده است و از فعل «گزاره کردن» در برابر فعل «تذکره» استفاده کرده است و این می‌تواند موجب سردرگمی خواننده باشد.

- در میان نام‌های یونانی که ابن ابی اصیبعه آورده است ضبط دو نام «اسقلیبوس» و «دیاسقوریدس» به صورت «اسکلپیوس» و «دیاسکوریدوس» آمده است. اگر بنا بر مترجم بر آن بوده است که نام‌های یونانی را به تلفظ انگلیسی مشهور امروز بیاورد باید این کار را در باره همه نام‌ها انجام می‌داد، برای مثال «ارسطوطاليس» باید «اریستوتل» و «اهرن قس» می‌بایست «هرون کشیش» نوشته می‌شد در حالی که این قاعده‌ای جاری برای نام‌های دیگر نیست. از این رو بهتر آن بود که آن دو نام نیز با ضبط مشهور دوره اسلامی در متن حفظ می‌شدند.

جدا از مواردی از این دست در ترجمه که بسیار نیستند و بعضاً قابل اغماضند آنچه در این کتاب کمتر از حد انتظار فراهم آمده، مقدمه آن است. پیش تر اشاره شد که ترجمه چنین آثاری می‌تواند دستگیر دانشجویان و محققانی باشد که به تازگی پژوهش در این حوزه را آغاز کرده‌اند، از این رو وجود مقدمه‌ای که در آن در باره این کتاب و تحقیقاتی که در باره آن انجام شده است به حد کفایت سخن گفته شده باشد می‌تواند برای ایشان بسیار راهگشا باشد. در صفحه عنوان کتاب حاضر نیز آمده است که «پژوهش و برگردان» از آن محمد ابراهیم ذاکر است. با این حال جز مقدمه خانم حیدری داویجانی و تقریظ استاد مهدی محقق و بخش کتاب‌شناسی به قلم استاد احمد منزوی که ۲۱ صفحه آغازین کتاب را به خود اختصاص داده‌اند، مجموعه مطالب گرد آمده توسط محقق (یا محققان؛ این جمع بستن از آن روست که در پایان متن تحقیق نام‌های محمد ابراهیم ذاکر، رضا عرب بافرانی و رضا دادگر آمده است) حدود ۳۰ صفحه است. این بخش مشتمل بر سه فصل است: «درآمدی بر تاریخ‌نگاری پزشکی» (ص ۲۳-۲۹)، «زندگی نامه ابن ابی اصیبعه» (ص ۳۱-۳۳) و «واکاوی کتاب عیون الأنبیاء فی طبقات الأطباء» (ص ۳۵-۵۲). آنچه در این بخش از کتاب

بیش از هر چیز به چشم می‌خورد، دست بسته داشتن مؤلفان از ارجاع به منابع و عرضه کتابشناسی مناسب و قابل رجوع از منابعی است که از آنها استفاده کرده‌اند. برای مثال در صفحه ۲۴ آمده است: «نمونه آنها ابن ندیم بو فرج محمد فرزند اسحاق فرزند یعقوب وراق بغدادی (د: ۳۸۵ق/۹۹۵م) در فهرست به گونه‌ای کوتاه نکاتی را یاد می‌نماید.» در برابر «فهرست» نشانه پانویشت آمده است و در پانویشت نوشته شده است: «فهرست، آغاز فن سوم از مقاله هفتم، برگردان رضا تجدد» حال آنکه لازم بود مشخصات کتابشناختی کتاب فهرست، که البته بیشتر محققان آن را با نام الفهرست می‌شناسند، به طور کامل بیاید. هر چند در بخش دیگر همین فصل، «ردیابی کتاب‌های تاریخ پزشکی نویسی»، در شماره ۲۴ مشخصات کتاب آمده است اما در مقام ارجاع لازم بود که در پانویشت اطلاعات کتاب اضافه می‌شد یا آنکه به پایان بخش تحقیق، بخشی در ذکر منابع افزوده می‌شد. نمونه‌هایی از این دست در تمام متن تحقیق فراوان است. در بخش «ردیابی کتاب‌های تاریخ پزشکی نویسی» نیز محققان سیاهه آثار زندگی‌نامه‌ای دوره اسلامی را با فهرست‌های گردآوری شده در باره آثار پزشکی دوره اسلامی در هم آمیخته‌اند. از ۴۳ عنوان کتابی که در این بخش از آنها نام برده شده است، شماره‌های ۲۷-۴۳ فهرست‌هایی هستند که در دوران معاصر گردآوری شده‌اند و حتماً با شرح حال‌هایی که گذشتگان نوشته‌اند از حیث ارزشیابی منابع قابل سنجش نیستند. شاید بهتر بود عنوان این فصل «درآمدی بر تاریخ‌نگاری پزشکی در دوره اسلامی» می‌بود!

در فصل سوم از این تحقیق، «واکاوی کتاب عیون الأنبياء في طبقات الأطباء»، انتظار می‌رود که محققان ضمن تحقیق در باره متن کتاب به عقاید محققانی که پیش‌تر در این باره تحقیق کرده‌اند نیز پرداخته باشند در حالی که این فصل تقریباً به طور کلی عاری از چنین نگاهی است. در «بررسی کتاب عیون الأنبياء في طبقات الأطباء از دیدگاه فهرست‌نگاران و تاریخ‌نویسان» (ص ۳۵-۳۷) تنها به نقل حاجی خلیفه اشاره شده است و باقی مطالب به فصل‌های عیون الأنبياء و زمان مرگ ابن ابی اصیبعه اختصاص دارد. آیا محقق در باره این کتاب و جایگاه آن در میان دیگر آثار زندگی‌نامه‌ای اشاره نکرده است؟! چنین رویکردی در دو بخش دیگر در ذکر «ارزشمندی‌های کتاب...» و «جایگاه کتاب...» نیز دیده می‌شود به طوری که نه تنها خواننده در این موارد دلایل روشنی را نمی‌بیند بلکه با تحقیقات پیشین و اظهار نظر دیگر محققان در این باره نیز آشنا نمی‌شود.

در یاد کردن از ترجمه‌های کتاب، در بخش «برگردان کتاب عیون الأنبياء في طبقات الأطباء به زبان‌های گوناگون» به برگردان به زبان آلمانی اشاره شده است و مشخصات کتاب‌شناختی ترجمه آمده است و به نظر می‌رسد که محقق در نیافته است که مشخصات کتاب‌شناختی مجموعه مطالعات در باره کتاب را که به کوشش فواد سزگین فراهم آمده است، می‌نویسد. پنج جلد نخست

از مجموعه «طب اسلامی» (*Islamic Medicine*) که مؤسسه مطالعات علوم عربی-اسلامی فرانکفورت منتشر کرده است به عیون الأنباء اختصاص دارد، دو جلد نخست تجدید چاپ تصحیح مولر است و سه جلد دیگر شامل مقالاتی در باره کتاب است و تنها در جلد پنجم این مجموعه به ترجمه آن به زبان فرانسوی اشاره شده است که در سال‌های ۱۸۵۴-۱۸۵۶ در مجله آسیایی (*Journal Asiatique*) منتشر شده است. به نظر می‌رسد آنچه به عنوان ترجمه آلمانی از آن یاد شده است تصحیحاتی است که مولر در ۱۸۸۴م در کونیگسبرگ به منظور تصحیح چاپ قاهره منتشر کرد.

به هر صورت، جدا از اشتباهات موجود که بر محققان تاریخ علم، به ویژه تاریخ پزشکی دوران اسلامی، پوشیده نخواهد بود، امروز این ترجمه در دست است و مطمئناً پژوهشگران از آن استفاده خواهند کرد. امید است که محققان این عرصه با در نظر گرفتن مخاطبان علاقه‌مندی که گاه به سبب ناتوانی در استفاده از منابع دست اول در گام نخست روی به خواندن ترجمه‌های فارسی می‌آورند با دقت و وسواس بیشتری برای امر ترجمه و نوشتن مقدمه بر آثاری از این دست اقدام کنند.

مآخذ:

- ابن ابی اصیبعه (۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م)، عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، تصحیح آگوست مولر، قاهره. نالینو، کرلو، (۱۹۱۱م) علم الفلك، تاریخه عند العرب فی القرون الوسطی، رم.
- Gohlman, W. E. (1974) *The Life of Ibn Sina*, New York.
- Sanguinetti, B. R. (1854-1856), "Extraits de l'ouvrage arabe d'Ibn Aby Ossaïbi'ah sur l'histoire des médecins, traduction française accompagnée de notes", *Journal Asiatique*, Paris (reprinted in *Islamic Medicine*, vol. V, Edited by Fuat Sezgin, Frankfurt, 1995).

